

## The Development of the Concept of Responsibility from Adolescence to Emerging Adulthood: Considering the Relationship with Perceived Parenting Styles

Madine Yektaparast<sup>1</sup>, Samaneh Asadi<sup>2\*</sup>, Mehdi Rahimi<sup>3</sup>, Mahtab Haghshenas<sup>4</sup>

1. M.A. in General Psychology, Yazd University, Yazd, Iran; [te\\_negin@yahoo.com](mailto:te_negin@yahoo.com)
2. Associate Professor, Department of Psychology & Educational Sciences, Yazd University, Yazd, Iran (Corresponding Author); [s.asadi@yazd.ac.ir](mailto:s.asadi@yazd.ac.ir)
3. Associate Professor, Department of Psychology & Educational Sciences, Yazd University, Yazd, Iran; [mehdirahimi@yazd.ac.ir](mailto:mehdirahimi@yazd.ac.ir)
4. B.A. in Psychology, Yazd University, Yazd, Iran; [Haghshenasmahtab80@gmail.com](mailto:Haghshenasmahtab80@gmail.com)

### Original Article

#### Abstract

**Background and aim:** The definition and understanding of the concept of responsibility constantly experiences changes during one's life and is almost influenced by parenting. This study aimed to investigate how the definition and understanding of responsibility change at different ages, considering the perceived parenting styles.

**Method and data:** The study used a descriptive-correlational design. The sample consisted of 381 males and females aged 12 to 75 years living in Yazd who were selected by random sampling methods according to their age groups. They completed the Perceived Parenting Styles Questionnaire and an open-response questionnaire about the concept of responsibility.

**Findings:** The findings of the open-response questionnaire revealed six conceptual categories for defining responsibility: conscientiousness, trustworthiness, law-abiding, progressivism, organization and self-management. Analysis of the data in each category with the Chi square test showed that there was a significant difference between different age groups in the categories. There was also a significant difference between individuals who perceived different parenting styles in the emphasis on organization and self-management categories. Participants with easy-going parents had the most emphasis on organization and those with authoritative parents had the most emphasis on self-management in defining responsibility.

**Discussion and conclusion:** The results showed that parenting styles are important determinants of the development of responsibility from adolescence to emerging adulthood. Further studies on different age ranges, especially children, using interviews in longitudinal designs, can provide a better perspective of the developmental changes in this concept.

**Keywords:** Development, Responsibility, Parenting style, Adolescence, Emerging adulthood.

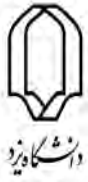
**Key Message:** The cognitive, emotional and social environment that parents make for their children, known as parenting styles, affect on the development of the concept of responsibility among them. In other words, the parents' parenting styles are the determinants of the level of responsibility in their children from adolescence to emerging adulthood.

Received: 19 October 2022

Accepted: 02 May 2023

**Citation:** Yektaparast, M., Asadi, S., Rahimi, M., & Haghshenas, M. (2023). The Development of the Concept of Responsibility from Adolescence to Emerging Adulthood: Considering the Relationship with Perceived Parenting Styles. *Journal of Social Continuity and Change*, 2(1), 249-266. <http://doi.org/10.22034/JSCC.2023.19098.1045>





## تحول مفهوم مسئولیت‌پذیری از دوره نوجوانی تا بزرگسالی در حال پیدایش: با نگاهی به سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده

مدینه یکتاپرست<sup>۱</sup>، سمانه اسعدی<sup>۲\*</sup>، مهدی رحیمی<sup>۳</sup>، مهتاب حق‌شناس<sup>۴</sup>

۱- دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه یزد، یزد، ایران؛ [te\\_negin@yahoo.com](mailto:te_negin@yahoo.com)

۲- دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)؛ [s.asadi@yazd.ac.ir](mailto:s.asadi@yazd.ac.ir)

۳- دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه یزد، یزد، ایران؛ [mehdirahimi@yazd.ac.ir](mailto:mehdirahimi@yazd.ac.ir)

۴- دانش‌آموخته کارشناسی روانشناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران؛ [haghshenasmahtab80@gmail.com](mailto:haghshenasmahtab80@gmail.com)

### مقاله پژوهشی

### چکیده

**مقدمه و هدف:** تعریف و درک مفهوم مسئولیت‌پذیری در طول دوران زندگی هر فرد، تحولات زیادی را پشت سر گذاشته و به میزانی تحت تأثیر تربیت والدین قرار دارد. این پژوهش با هدف بررسی تغییرات در تعریف و درک مفهوم مسئولیت‌پذیری در دوره‌های سنی مختلف، با در نظر گرفتن سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده، انجام شده است.

**روش و داده‌ها:** طرح این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آن، زنان و مردان ۱۲ تا ۷۵ ساله یزدی بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی متناسب با گروه‌های سنی انتخاب شده و پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده و پرسشنامه باز پاسخ، مفهوم مسئولیت‌پذیری را تکمیل کردند.

**یافته‌ها:** نتایج حاصل از بررسی پاسخ‌های پرسشنامه باز پاسخ، بیانگر تعریف مسئولیت‌پذیری در قالب طبقه‌های مفهومی مبتنی بر وظیفه‌شناسی، امانتداری، قانونمندی، پیشرفت‌گرایی، سازمان‌یافتگی و خودمدیریتی بود. تحلیل داده‌های پژوهش در هر یک از طبقه‌های تعریفی با آزمون خی‌دو، نشان داد در مؤلفه‌های یادشده بین گروه‌های سنی مختلف تفاوت معنی‌دار وجود دارد. همچنین در تأکید بر مؤلفه‌های سازمان‌یافتگی و خودمدیریتی بین افراد متأثر از سبک‌های فرزندپروری مختلف، تفاوت معنادار وجود داشت. افراد با والدین آسان‌گیر در تعریف این مفهوم بیشترین تأکید را بر سازمان‌یافتگی و افراد با والدین سخت‌گیر بیشترین تأکید را بر خودمدیریتی داشتند.

**بحث و نتیجه‌گیری:** یافته‌ها نشان داد که بررسی‌های بیشتر بر روی گروه‌های سنی گسترده‌تر به خصوص کودکان، با استفاده از ابزار منعطف‌تری مانند مصاحبه در طرح‌های طولی منسجم، می‌توانند چشم‌انداز بهتری از تغییرات تحولی مفهوم مسئولیت‌پذیری در طول زمان به دست دهد.

**واژگان کلیدی:** تحول، مسئولیت‌پذیری، سبک فرزندپروری، نوجوانی، بزرگسالی در حال پیدایش.

**پیام اصلی:** محیط شناختی، عاطفی و هیجانی که والدین برای فرزندان خود تحت عنوان سبک فرزندپروری ایجاد می‌کنند، تأثیر بسزایی در شکل‌گیری مفهوم مسئولیت‌پذیری در آنان دارد. به عبارت دیگر، سبک فرزندپروری والدین تا حد زیادی تعیین‌کننده میزان مسئولیت‌پذیری فرزندان آنان در گذار از دوران نوجوانی به بزرگسالی در حال پیدایش است.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۷

**ارجاع:** یکتاپرست، مدینه؛ اسعدی، سمانه؛ رحیمی، مهدی و حق‌شناس، مهتاب (۱۴۰۲). تحول مفهوم مسئولیت‌پذیری از دوره نوجوانی تا بزرگسالی در حال پیدایش: با نگاهی به سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده، *تداوم و تغییر اجتماعی*، ۲(۲)، ۲۶۶-۲۴۹.

<http://doi.org/10.22034/JSCC.2023.19098.1045>



## مقدمه و بیان مسأله

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تحول روان، تغییراتی است که به واسطهٔ رشد درونی، شرایط محیطی و عوامل اجتماعی (Schmiedek, 2017) در ساخت‌های فکری (شناخت) از جمله مفهوم‌سازی و تحول مفاهیم<sup>۱</sup> (تیزرو، ۱۳۷۵؛ Solso, 1933) روی می‌دهد. تحول مفاهیم فرآیندی پیچیده و تدریجی است که به توانایی ایجاد رابطه و پیوند بین معانی و مفاهیم اشاره دارد. مفاهیم در موقعیت‌ها و زمان‌های مختلف کسب شده، پایان‌ناپذیر بوده و پیوسته با کسب تجارب جدید دچار تغییر و دگرگونی می‌شوند (Hurlock, 1978). شکل‌گیری مفاهیم، تا حد بسیاری به تجارب قبلی فرد بستگی دارند (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۸) و در سازماندهی اطلاعات و رفتار افراد مؤثرند (Solso, 1933).

بنا بر نظریهٔ پیازه، تفاوت سطح تجربه و سطح تحول شناختی افراد بر درک و تعریف آنها از مفاهیم و معنای واژه‌ها تأثیر داشته و بدین ترتیب فرآیند منظمی از عینی به انتزاعی، از ابهام به وضوح و از عدم به سوی وجود طی می‌شود (سمیعی و همکاران، ۱۳۹۱). به عبارتی، تعریف و درک مفاهیم از درجات ساده شروع شده و به درجات پیچیده می‌رسند (Piaget, 1961; cited in Berk, 2007) و صرف نظر از تأثیر هوش و فرصت‌های یادگیری با افزایش سن و افزایش توانایی‌های شناختی تغییر می‌یابند؛ و هر اندازه توانایی فرد در شناخت روابط گذشته و حال افزایش یابد؛ بر شماره و گوناگونی مفاهیم او نیز افزوده می‌شود (سمیعی و همکاران، ۱۳۹۱).

مفهوم مسئولیت و مسئولیت‌پذیری<sup>۲</sup> از جمله مفاهیمی است که ویژگی ذاتی آن، نامشخص و غیرقابل تشخیص بودن معنای آن است (Löfmarck et al., 2017). در اصطلاح، مفهوم مسئولیت به معنای مورد سؤال یا بازخواست قرارگرفتن انسان در برابر وظایف و اعمالی است که به عهده دارد (شهریاری‌پور، ۱۳۹۱). همچنین قابل پذیرش، پاسخگویی و به عهده‌گرفتن کاری که از کسی درخواست می‌شود و شخص حق دارد آن را بپذیرد و یا رد کند، نیز از جمله تعاریف این مفهوم است (رفعتیان، ۱۳۸۴). اما بسته به دیدگاه‌ها و شرایط، مسئولیت می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد. ویلیام گلسر<sup>۳</sup> در قالب یک نظریه انگیزشی-رفتاری به نام تئوری انتخاب معتقد است انسان‌ها برای انتخاب‌ها، تصمیمات و اهدافشان در زندگی مسئول اند. در دیدگاه وی، مسئولیت‌پذیری دارای دو بُعد فردی و اجتماعی است. در بُعد فردی، سخن از برآورده‌کردن نیازهای خود و پذیرش نتایج اعمال خود به میان می‌آورد و در بُعد اجتماعی، تأکید بر ارضای نیازهای دیگران و توجه به انتظارات آنها دارد. در واقع، او بُعد فردی را برای بهزیستی روان آدمی کافی ندانسته و به همین دلیل بُعد اجتماعی را تکمیل‌کنندهٔ بهزیستی روانی فرد می‌داند. وی مفهوم مسئولیت‌پذیری را به سه مؤلفه تقسیم می‌کند که شامل یادگیری انتخاب رفتارهایی است که نیازهای اساسی ما را بر آورده کند، پذیرفتن پیامدهای رفتار خود و این که مانعی بر سر راه برآورده‌شدن نیازهای دیگران نباشد (صاحبی و همکاران، ۱۳۹۴).

در نظریه‌های شخصیتی مانند نظریه آلپورت<sup>۴</sup> (به نقل از Schultz, 1401) از مسئولیت‌پذیری به عنوان یکی از اجزای مهم یک شخصیت سالم یاد می‌شود و نداشتن مسئولیت و تعهد در زندگی را سبب عدم‌دستیابی فرد به بلوغ روانی می‌دانند. از طرف دیگر، در

1. concepts

2. Responsibility

3. Glasser

4. Allport

دیدگاه معناگرایانی همچون فرانکل (۱۳۹۰)، جوهر وجود انسان دارای سه عامل است که یکی از آنها مسئولیت‌پذیری است، آن‌گونه که انسان باید مسئولیت انتخاب‌هایش را بپذیرد.

تعریف و درک مفهوم مسئولیت نیز همچون سایر مفاهیم در طول دوران زندگی تحول می‌یابد و در دوره‌های مختلف زندگی انسان، معانی متفاوتی به خود می‌گیرد. در این راستا، کیفیت تعاملات والدین با فرزندان نیز یکی از قدرتمندترین تأثیرات محیطی در تحول مفاهیم است (Jeon et al., 2013). برونر<sup>۱</sup> (به نقل از نیکروحتین، ۱۳۹۰) معتقد است لازمه شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری در کودک از ابتدا، اعتماد به نفسی است که به کمک والدین در او ایجاد می‌شود و به عنوان مثال، اگر والدین به نوزاد ۱۵ ماهه‌ای که قصد خوردن غذا به تنهایی و بدون دخالت را دارد، این اجازه را ندهند، می‌توانند باعث از بین رفتن اعتماد به نفس وی و متعاقباً مانع ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در کودک شوند. به بیان دیگر، خانواده می‌تواند مهم‌ترین عامل اجتماعی در تحول فرآیند مسئولیت‌پذیری (Dudley & Poston, 2014) و انتقال فرزندان از دوره کودکی به دوره نوجوانی و تغییر از حالت وابستگی به استقلال و پذیرش مسئولیت داشته باشد (Wollny et al., 2016; Mendonça & Fontaine, 2014). به طور مثال، پارسونز<sup>۲</sup> در تئوری کارکردگرایی ساختاری خود، جامعه‌پذیری خانواده و مسئولیت‌پذیری را مرتبط قلمداد کرده و تأکید می‌کند که نوجوان، مسئولیت‌پذیری را در مسیر اجتماعی‌شدن با کمک الگوهای رفتاری کسب می‌کند و این موضوع به او امکان ایفای نقش‌های اجتماعی مختلف و خاص را می‌دهد. در دیدگاه وی، فرآیند جامعه‌پذیری شامل آموزش، تقلید و تلقین است. این نظریه همچنین در مطالعه‌ای بر روی ۳۷۵ دانش‌آموز دختر و پسر شهر تهران، مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که از بین شیوه‌های جامعه‌پذیری، آموزش بیشترین تأثیر را بر افزایش میزان مسئولیت‌پذیری نوجوان داراست. از بین شیوه‌های دیگر نیز، به ترتیب، تقلید (هرچه والدین مسئولیت‌پذیرتر، نوجوان مسئولیت‌پذیرتر) و تلقین در دو مرتبه آخر قرار دارند. بر همین اساس گفته می‌شود که خانواده می‌تواند از طریق آموزش صحیح جامعه‌پذیری و عمل به آن، الگوی مناسبی برای نوجوانان خود بوده و افرادی مسئولیت‌پذیر در آینده تربیت کند (سفیری و چشمه، ۱۳۹۰).

محیطی که والدین ایجاد می‌کنند و نوع برخورد آن‌ها نشان‌دهنده سبک فرزندپروری آن‌ها در جهت حمایت از رشد جسمانی، عاطفی، اجتماعی و شناختی از دوره کودکی تا بزرگسالی است (Zhang et al, 2019; Alizadeh & Andries, 2002) و نه تنها بر تحول شناختی بلکه بر میزان مسئولیت‌پذیری افراد نیز تأثیرگذار است (اسعدی و همکاران، ۱۴۰۰). براساس پیشینه نظری و پژوهشی گسترده در این زمینه، تقاطع دو بعد کنترل و پاسخگویی، چهار نوع سبک فرزندپروری مقتدرانه<sup>۳</sup>، سختگیرانه<sup>۴</sup>، آسان‌گیر<sup>۵</sup> و بی‌اعتنا<sup>۶</sup> را ایجاد می‌کند (Aunola et al, 2000; Fan & Zhang, 2014; Wolfradt et al, 2003) که در آن بعد پاسخگویی با مهربانی، پذیرش و مراقبت و بعد کنترل با محدودیت، نفوذ و نظم و انضباط مشخص می‌شود.

والدین مقتدر از طریق پذیرش و پاسخگوبودن و با ارائه توضیحات، رفتار فرزندان را به صورت منحصر به فردی کنترل و در عین حال بر استقلال کودک نیز تأکید دارند (Baumrind, 1966; Darling & Steinberg, 1993). به همین دلیل، کودکان این والدین

1. Bruner

2. Parsons

3. Authoritative

4. Authoritarian

5. permissive

6. Indifferent

تحول شناختی بهتری دارند (مداحی و صمدزاده، ۱۳۹۰). والدین آسان‌گیر نیز در حالی که توجه زیادی نثار فرزندان‌شان می‌کنند، از آنان توقع کمی داشته و از نظر مسئولیت‌های خانوادگی و رفتاری، اطاعت کمی را از فرزندان خود طلب می‌کنند (Dornbusch et al., 1987، شفیع‌پور و همکاران، ۱۳۹۴).

پدران و مادران بی‌اعتنا، نه پاسخگو و نه خواهان هستند، آنها خودتنظیمی را در فرزند خود پشتیبانی یا تشویق نمی‌کنند و همچنین اغلب در نظارت و سرپرستی رفتار کودکان شکست می‌خورند و به بیانی دیگر، هیچ علاقه یا دخالتی در زندگی فرزندان خود ندارد (Miller et al., 2012 ; Aunola et al., 2000). در نهایت، والدین سخت‌گیر اغلب با استفاده از مجازات، محبت کم و تأکید بر قوانین، فرزندان را کنترل می‌کنند. چنین والدینی استانداردهای سخت‌گیرانه و مطلق برای فرزندان تعیین می‌کنند و با محدود کردن استقلال فرزندان حتی در ارتباطات آنها با سایرین دخالت دارند (ولفارد و همکاران، ۲۰۰۳).

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در رابطه با سبک‌های فرزندپروری و ارتباط آن با سایر مؤلفه‌های روانشناختی انجام شده است، اما مطالعات در زمینه رابطه سبک‌های فرزندپروری و فرآیندهای تحولی بسیار محدود است. پژوهشی بر روی ۱۵۰ دانش‌آموز دبیرستانی نشان داد که سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده به میزانی بر کسب مسئولیت‌پذیری‌های تحصیلی افراد تأثیر می‌گذارند و به گونه‌ای چگونگی اجرای عامل درونی کنترل را تعیین می‌کنند، تا جایی که فرزندان با سبک ادراک‌شده مقتدرانه، مسئولیت‌پذیری بیشتری در زندگی شخصی و به خصوص تحصیلی از خود نشان داده و مثبت‌تر عمل می‌کنند (Preston, 2009).

در ایران نیز، پژوهشی بر روی ۳۰۴ دانش‌آموز دختر و پسر دوره متوسطه شهر شیراز، نشان داد که دو بُعد محبت و کنترل در سبک فرزندپروری به طور مثبت باعث افزایش مسئولیت‌پذیری در نوجوانان می‌شود. به این معنا که خانواده‌های مقتدری که محبت و صمیمیت و کنترل و نظارت را به میزان زیادی اعمال می‌کنند، دارای فرزندان با حس اعتماد به نفس و کفایت اجتماعی به مراتب بالاتر هستند که مسئولیت اعمال خود را می‌پذیرند و بالغانه‌تر عمل می‌کنند (Sigelman & Rider, 2012). اسعدی و یکتاپرست (۲۰۱۸) در پژوهش خود در شهر یزد نشان دادند در سبک فرزندپروری ادراک‌شده افراد سنین مختلف با توجه به جنسیت، تفاوت‌هایی وجود دارد. علی‌رغم این که سبک فرزندپروری مقتدر در هر دو جنس نسبت به سایر سبک‌ها بیشتر ادراک می‌شود؛ اما با توجه به تفاوت تأثیر نیروهای اجتماعی دختران سبک مقتدر را بیشتر و سبک بی‌اعتنا را به ندرت گزارش کردند. نتایج پژوهشی دیگر که در بافت فرهنگی یزد انجام شد (عسکری‌ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸)، نشان‌دهنده الگوپذیری بسیار زیاد جنسیتی دختران از مادران در امر ازدواج بود. دختران بعد از ازدواج مسئولیت‌پذیری بیشتری نسبت به پسران در برابر نهاد خانواده داشتند اما استقلال پسران در امر ازدواج بیشتر و همچنین مدیریت آنها در زندگی بعد از ازدواج نسبت به دختران ضعیف‌تر بوده است.

در خصوص رابطه این مفهوم با مفاهیم دیگر، پژوهشی پیمایشی در شهر شیراز بر روی دانش‌آموزان انجام شد که نشان از ارتباط معنادار سبک زندگی با مسئولیت‌پذیری در سطوح فردی و اجتماعی داشت. نتایج نشان دادند که مسئولیت‌پذیری مدرسه که شامل مؤلفه‌هایی همچون «شانه‌خالی‌نکردن از کارهای مدرسه، کمک به مسئولین مدرسه در امور مختلف و آرام کردن همکلاسی‌ها در هنگام

ناراحتی» بود به همراه مسئولیت‌پذیری فردی در سطح بالاتری در بین دختران در مقایسه با پسران وجود داشت. در میان پسران، اما مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتر گزارش شده بود (خواجانه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۳).

به دلیل پیچیدگی‌های این مفهوم، برخی پژوهش‌ها، مؤلفه‌هایی را برای مسئولیت‌پذیری تعریف کرده‌اند (Mergler, 2007؛ نعمتی، ۱۳۸۷). از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به نعمتی (۱۳۸۷) اشاره داشت که در آن، به هفت مؤلفه مهم در تعریف و درک مفهوم مسئولیت‌پذیری دست یافت: (۱) خودمدیریتی، به معنای مسئول بودن و خویشتن‌داری برای دستیابی به اهداف و پافشاری در جبران شکست‌ها و ناکامی‌ها؛ (۲) نظم‌پذیری، دقت و مراقبت در استفاده از وسایل و جایگزینی صحیح آنها، داشتن آمادگی لازم قبل از انجام کار، تمیز و مرتب‌بودن در امور و رعایت بهداشت؛ (۳) قانونمندی که تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و درک قوانین گروهی و احساس التزام عمل در موقعیت‌های گوناگون، تقید نسبت به دیگران و رعایت حقوق آنها، تعریف شده است؛ (۴) امانتداری، تعهد نسبت به حفاظت از جان و مال و حقوق دیگران و وفاداری نسبت به عهد و پیمان؛ (۵) وظیفه‌شناسی، انجام عمل و تکالیف محوله به‌طور شایسته و بدون تذکر دیگران، دیگرخواهی و جامعه دوستی؛ (۶) سازمان‌یافتگی، مورد بررسی قرار دادن امور، امکان‌سنجی و برنامه‌ریزی در کارها، بودجه‌بندی و پس‌انداز منظم، نظم و انضباط؛ و در نهایت مورد (۷) عملکرد و پیشرفت‌گرایی که به معنای آگاهی و میل به بهترشدن، انگیزه درونی برای به پایان‌رساندن موفقیت‌آمیز یک تکلیف، رسیدن به یک هدف یا دستیابی به درجه معینی از شایستگی در کار اشاره داشت (نعمتی، ۱۳۸۷).

در این پژوهش، براساس مؤلفه‌های استخراج‌شده از پژوهش نعمتی (۱۳۸۷) از یک سو، پیش‌فرض تغییرات تحولی در تعریف مسئولیت‌پذیری در طول دوره‌های مختلف زندگی و ارتباط سبک‌های فرزندپروری والدین بر تحول این مفهوم؛ به بررسی تغییرات تعریف مفهوم مسئولیت‌پذیری از دوره نوجوانی تا بزرگسالی در حال پیدایش پرداخته شده که با نگاهی بر رابطه این تغییرات با سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده می‌باشد. با این بررسی می‌توان دریافت با افزایش سن، چه تغییری در درک و تعریف افراد از مفهوم مسئولیت‌پذیری در جامعه فرهنگی یزد به طور خاص ایجاد می‌شود و سبک فرزندپروری والدین آنها چه رابطه‌ای با این تغییرات داشته است.

### روش و داده‌ها

این پژوهش شامل تمام افراد ۱۲ تا ۷۵ ساله‌ای بود که در سال ۹۵ در شهر یزد ساکن بودند. با در نظر گرفتن مهاجر و دانشجوپذیربودن شهر یزد، جمعیت به صورت نامحدود در نظر گرفته شد و بر این اساس، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر محاسبه شد. گروه اول شامل ۸۰ نوجوان (۴۰ دختر و ۴۰ پسر) از مدارس ابتدایی با بازه سنی ۱۲ تا ۱۳ ساله، گروه دوم شامل ۸۰ دانش‌آموز دبیرستانی (۴۰ دختر و ۴۰ پسر) با بازه سنی ۱۵ تا ۱۷ ساله، گروه سوم ۸۰ نفر (۴۰ دختر و ۴۰ پسر) از دانشجویان دانشگاه یزد با بازه سنی ۲۰ تا ۲۵ ساله، گروه چهارم ۶۰ نفر (۳۰ زن و ۳۰ مرد) از شاغلین دانشگاه با بازه سنی ۳۵ تا ۴۰ ساله بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. گروه پنجم ۵۰ نفر (۲۵ زن و ۲۵ مرد) با بازه سنی ۴۵ تا ۵۵ ساله و در گروه ششم ۳۱ نفر (۱۱ مرد و ۲۰ زن) در رده سنی ۶۰ ساله به بالا بودند که به دلیل محدودیت به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

از یک پرسشنامه بازپاسخ محقق‌ساخته برای بررسی مفهوم مسئولیت‌پذیری استفاده شد. در این پرسشنامه از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا مسئولیت‌پذیری را تعریف کنند. سپس تعاریف هر کدام از شرکت‌کنندگان براساس مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری کدگذاری شد. مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری عبارت بودند از: (۱) خودمدیریتی؛ (۲) نظم‌پذیری؛ (۳) قانونمندی؛ (۴) امانتداری؛ (۵) وظیفه‌شناسی؛ (۶) سازمان‌یافتگی؛ و (۷) عملکرد و پیشرفت‌گرایی (نعمتی، ۱۳۸۷). به منظور سنجش پایایی بین ارزیابان از یک ارزیاب دیگر خواسته شد تا تعاریف شرکت‌کنندگان را براساس مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری دسته‌بندی کند. ضرایب همبستگی پیرسون گزارش‌های دو ارزیاب در مؤلفه وظیفه‌شناسی ۰/۸۵، مؤلفه امانتداری ۰/۸۶، در مؤلفه قانونمندی ۰/۷۸، مؤلفه پیشرفت‌گرایی ۰/۶۶، مؤلفه سازمان‌یافتگی ۰/۷۰ و در مؤلفه خودمدیریتی ۰/۸۸ بود.

ابزار دیگر، پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده نقاشیان (۱۳۵۸) بود که یک پرسشنامه خودگزارشی است و از آزمودنی‌ها می‌خواهد تا میزان پذیرش (محبت) و کنترل (مهار) را که در خانواده در رابطه با والدینشان تجربه می‌کنند، بیان نمایند. پرسشنامه مرکب از ۷۷ گویه است که فرزندان براساس یک مقیاس لیکرتی ۵ گزینه‌ای، در دامنه‌ای از خیلی موافقم تا خیلی مخالفم بر حسب روشی که والدینشان با آنها برخورد کرده یا می‌کنند به سؤالات پاسخ می‌دهند. پرسشنامه شامل دو بُعد اصلی تربیت یعنی «کنترل-آزادی» و «محبت-طرد» است و برخی پرسش‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. ضریب آلفای کرونباخ گزارش‌شده برای پایایی این پرسشنامه توسط نقاشیان (۱۳۵۸) در بُعد کنترل-آزادی، ۰/۷۳ و در بُعد محبت-طرد، ۰/۹۲ بود. در این پژوهش نیز ضریب آلفای کرونباخ در بُعد کنترل-آزادی، ۰/۷۳ و در بُعد محبت-طرد، ۰/۹۳ به دست آمد.

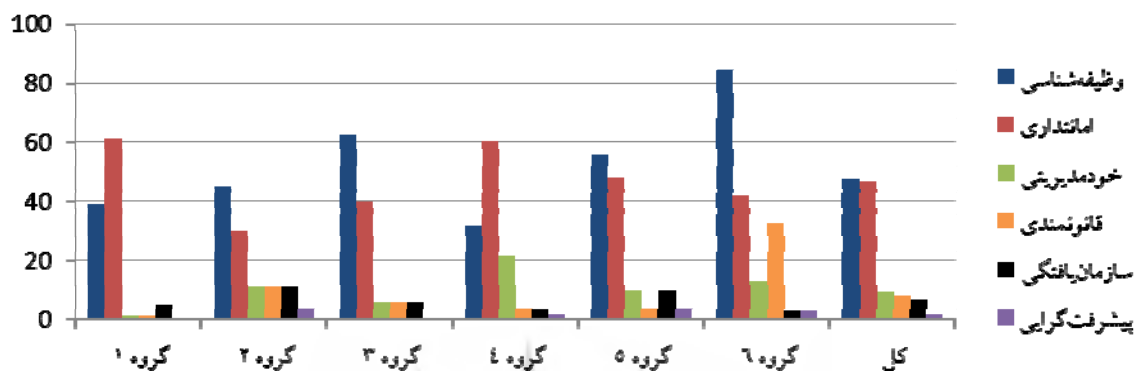
### یافته‌ها

برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به مفهوم مسئولیت‌پذیری از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا تعاریف خود را از مسئولیت‌پذیری بیان کنند. سپس تعاریف ارائه شده توسط هر شرکت‌کننده براساس شش مؤلفه وظیفه‌شناسی، امانتداری، خودمدیریتی، قانونمندی، سازمان‌یافتگی و پیشرفت‌گرایی کدگذاری شدند. در جدول ۱ فراوانی و درصد فراوانی هر یک از این مؤلفه‌ها به تفکیک گروه‌های سنی نشان داده شده است.

جدول ۱- فراوانی و درصد فراوانی مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری در کل گروه نمونه و به تفکیک گروه‌ها

	گروه ۱		گروه ۲		گروه ۳		گروه ۴		گروه ۵		گروه ۶		کل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
وظیفه‌شناسی	۳۱	۳۸/۸	۳۶	۴۵	۵۰	۶۲/۵	۱۹	۳۱/۷	۲۸	۵۶	۱۸	۵۸/۱	۱۸۲	۴۷/۸
امانتداری	۴۹	۶۱/۲	۲۴	۳۰	۳۲	۴۰	۳۶	۶۰	۲۴	۴۸	۱۳	۴۱/۹	۱۷۸	۴۶/۷
خودمدیریتی	۱	۱/۲	۹	۱۱/۲	۵	۶/۲	۱۳	۲۱/۷	۵	۱۰	۴	۱۲/۹	۳۷	۹/۷
قانونمندی	۱	۱/۲	۹	۱۱/۲	۵	۶/۲	۵	۳/۸	۲	۴	۱۰	۳۲/۳	۳۲	۸/۴
سازمان‌یافتگی	۴	۵	۹	۱۱/۲	۵	۶/۲	۲	۳/۳	۵	۱۰	۱	۳/۲	۲۶	۶/۸
پیشرفت‌گرایی	۰	۰	۳	۳/۸	۰	۰	۱	۱/۷	۲	۴	۳	۳/۲	۷	۱/۸

همان‌طور که در جدول ۱ آمده است، به طور کلی، از بین مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری، وظیفه‌شناسی و امانتداری به ترتیب با ۴۷/۸ و ۴۶/۷ درصد فراوانی نسبت به سایر مؤلفه‌ها بیشتر مورد تأکید قرار گرفته‌اند. بعد از این دو مؤلفه، خودمدیریتی، قانونمندی و سازمان‌یافتگی به ترتیب با ۹/۷، ۸/۴ و ۶/۸ درصد فراوانی در جایگاه‌های بعدی قرار دارند و پیشرفت‌گرایی نسبت به سایر مؤلفه‌ها کمترین درصد فراوانی را داشت. در شکل ۱، درصد فراوانی مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری در گروه‌های سنی ارائه شده است.



شکل ۱- نمودار درصد فراوانی مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری در گروه‌ها

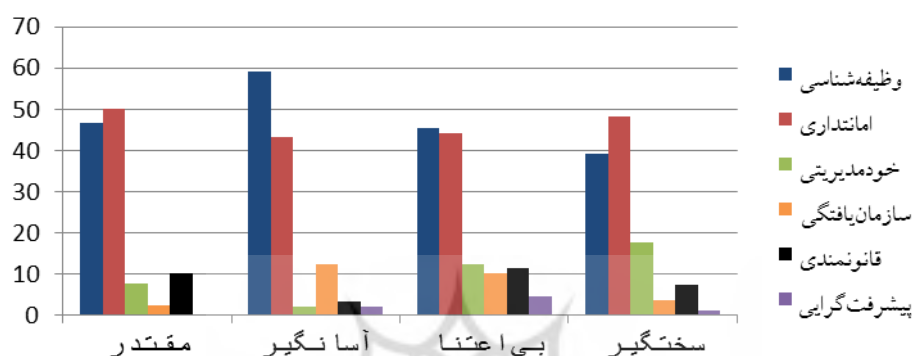
همان‌طور که در شکل ۱ قابل مشاهده است در گروه اول (اوایل نوجوانی) و گروه چهارم (اوج جوانی) بیشترین تأکید بر مؤلفه امانتداری و در گروه دوم (اواخر نوجوانی)، گروه سوم (بزرگسالی در حال پیدایش)، گروه پنجم (گذار به میانسالی) و گروه ششم (گذار به سالمندی) بیشترین تأکید بر مؤلفه وظیفه‌شناسی بود. از آنجا که سبک‌های فرزندپروری می‌تواند در تعریف مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌پذیر شدن فرزندان تأثیرگذار باشد. در جدول ۲ فراوانی و درصد فراوانی مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری به تفکیک سبک فرزندپروری که افراد تحت تأثیر آن بوده‌اند، ارائه شده است.

جدول ۲- فراوانی و درصد فراوانی مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری به تفکیک سبک‌های فرزندپروری

مؤلفه‌ها	مقتدر		آسان‌گیر		بی‌اعتنا		سخت‌گیر	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
وظیفه‌شناسی	۴۶/۸	۵۲	۵۹/۱	۴۰	۴۵/۵	۳۱	۳۹/۲	۵۹
امانتداری	۵۰	۳۸	۴۳/۲	۳۹	۴۴/۳	۳۸	۴۸/۱	۶۳
خودمدیریتی	۷/۹	۲	۲/۳	۱۱	۱۲/۵	۱۴	۱۷/۷	۱۰
سازمان‌یافتگی	۲/۴	۱۱	۱۲/۵	۹	۱۰/۲	۳	۳/۸	۳
قانونمندی	۱۰/۳	۳	۳/۴	۱۰	۱۱/۴	۶	۷/۶	۱۳
پیشرفت‌گرایی	۰	۲	۲/۳	۴	۴/۵	۱	۱/۳	۰



همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، افرادی که تحت تأثیر سبک فرزندپروری مقتدر بوده‌اند، در تعریف مسئولیت‌پذیری بیشترین تأکید را بر مؤلفه‌ی امانتداری داشته و افرادی که تحت تأثیر فرزندپروری آسان‌گیر و بی‌اعتنا بوده‌اند، بیشتر از دیگر افراد بر وظیفه‌شناسی تأکید کرده‌اند. در افراد متأثر از شیوه فرزندپروری سخت‌گیر، اگرچه امانتداری فراوانی بیشتری داشت اما این افراد بیشتر از سایرین بر خودمدیریتی تأکید داشتند. این تفاوت در شکل ۲ به صورت دیداری قابل مشاهده است.



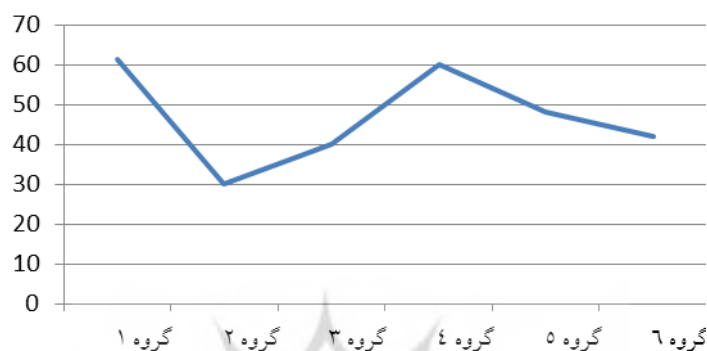
شکل ۲- نمودار درصد فراوانی مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری در افراد تحت تأثیر سبک‌های فرزندپروری مختلف

همان‌طور که در مطالب پیشین گفته شد، شش مؤلفه در تعریف مسئولیت‌پذیری از پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به دست آمد. به منظور بررسی سؤال مورد پژوهش یعنی تغییراتی که در مفهوم مسئولیت‌پذیری از نوجوانی تا بزرگسالی ایجاد می‌شود، از آزمون خی‌دو استفاده و نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون خی‌دو برای بررسی مفهوم مسئولیت‌پذیری در گروه‌های مختلف

مؤلفه‌ها	تعداد	خی‌دو	درجه آزادی	معناداری
امانتداری	۱۷۸	۲۱/۷۹۰	۵	۰/۰۰۱
وظیفه‌شناسی	۱۸۲	۱۸/۷۲۲	۵	۰/۰۰۲
قانونمندی	۳۲	۳۰/۸۳۵	۵	۰/۰۰۰۱
پیشرفت‌گرایی	۷	۶/۲۵۵	۵	۰/۲۸۲
سازمان‌یافتگی	۲۶	۵/۴۹۹	۵	۰/۳۵۸
خودمدیریتی	۳۷	۱۷/۹۸۷	۵	۰/۰۰۳

همان‌طور که در جدول ۳ آمده است، تفاوت در مؤلفه‌های امانتداری، وظیفه‌شناسی، قانونمندی و خودمدیریتی به لحاظ آماری معنی‌دار بود (به ترتیب  $p=0/001$ ،  $p=0/002$ ،  $p<0/0001$  و  $p=0/003$ ). بنابراین این مؤلفه‌ها در تعریف مسئولیت‌پذیری بین گروه‌های سنی مختلف تفاوت داشتند. در شکل ۳ تا ۶ با توجه به درصد فراوانی‌های جدول ۲، به صورت دیداری چگونگی این تغییرات قابل مشاهده است.



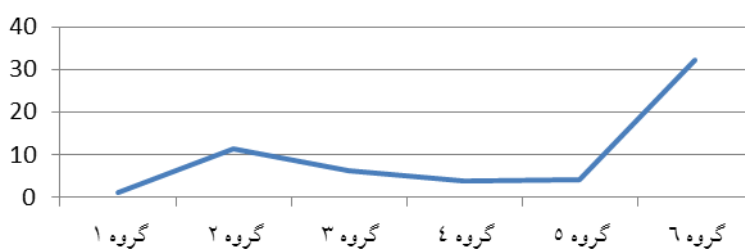
شکل ۳- نمودار تأکید بر امانتداری در گروه‌های سنی براساس درصد فراوانی

همان‌طور که در شکل ۳ مشاهده می‌شود، در تعریف مسئولیت‌پذیری درصد فراوانی افرادی که بر مؤلفه‌ی امانتداری تأکید کرده‌اند از گروه ۱ (اوایل نوجوانی) تا گروه ۲ (اواخر نوجوانی) کاهش، سپس تا گروه ۴ (اوج جوانی) افزایش و از آن پس تا گروه ۶ (گذار به سالمندی) مجدداً نزول کرده است.



شکل ۴- نمودار تأکید بر وظیفه‌شناسی در گروه‌های سنی براساس درصد فراوانی

همان‌طور که در شکل ۴ مشاهده می‌شود، درصد فراوانی افرادی که بر مؤلفه وظیفه‌شناسی تأکید کرده‌اند از گروه ۱ (اوایل نوجوانی) تا گروه ۳ (بزرگسالی در حال پیدایش) افزایش یافته و به اوج خود رسیده است و پس از این اوج، مجدداً سیری نزولی دارد. این در حالی است که در گروه ۴ (اوج جوانی) به کمترین میزان خود رسیده و بعد از آن تا گروه ۶ (گذار به سالمندی) تأکید بر مؤلفه وظیفه‌شناسی افزایش یافته است. البته این افزایش در مقایسه با اوج این مؤلفه در گروه ۳ (بزرگسالی در حال پیدایش) تعدیل شده‌تر است.



شکل ۵- نمودار تأکید بر قانونمندی در گروه‌های سنی براساس درصد فراوانی

همان‌طور که در شکل ۵ نیز قابل مشاهده است درصد فراوانی افرادی که بر مؤلفه قانونمندی تأکید کرده‌اند از گروه ۱ تا ۲ افزایش و سپس تا سنین اوج جوانی کاهش یافته است و سپس بعد از یک دوره ثبات تا گروه ۵، در گروه ۶ افزایش نشان داده است.



شکل ۶- نمودار تأکید بر خودمدیریتی در گروه‌های سنی براساس درصد فراوانی

همان‌طور که در شکل ۶ نشان داده شده است، درصد فراوانی افرادی که بر مؤلفه خودمدیریتی تأکید کرده‌اند در تعریف مسئولیت‌پذیری در گروه ۱ (اوایل نوجوانی) در کمترین مقدار خود بود که سیری صعودی-نزولی را تا گروه ۶ به صورتی تکراری طی

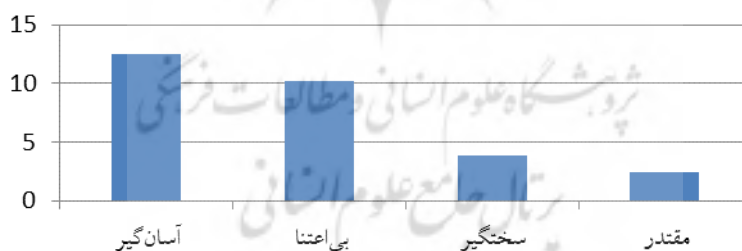
کرده است. اوج تأکید بر این مؤلفه در گروه ۴ (اوج جوانی) بود، مؤلفه خودمدیریتی نیز مانند وظیفه‌شناسی در گروه ۶ (گذار به سالمندی) مجدداً به صورت تعدیل‌شده‌ای افزایش یافته است.

به منظور بررسی رابطه بین مفهوم مسئولیت‌پذیری با سبک‌های فرزندپروری از آزمون خی‌دو استفاده شده است. در جدول ۴، نتایج آزمون خی‌دو به منظور بررسی تأثیر سبک‌های فرزندپروری مختلف بر مفهوم مسئولیت‌پذیری ارائه شده است.

جدول ۴- تأثیر سبک فرزندپروری بر مفهوم مسئولیت‌پذیری

مؤلفه‌ها	خی‌دو	درجه آزادی	معناداری
امانتداری	۱/۲۵۲	۳	۰/۷۴
وظیفه‌شناسی	۷/۰۵۸	۳	۰/۰۷
قانونمندی	۴/۵۲۲	۳	۰/۲۱
پیشرفت‌گرایی	۶/۱۷۳	۳	۰/۱۰
سازمان‌یافتگی	۱۱/۱۱۲	۳	۰/۰۱
خودمدیریتی	۱۲/۵۶۷	۳	۰/۰۰۶

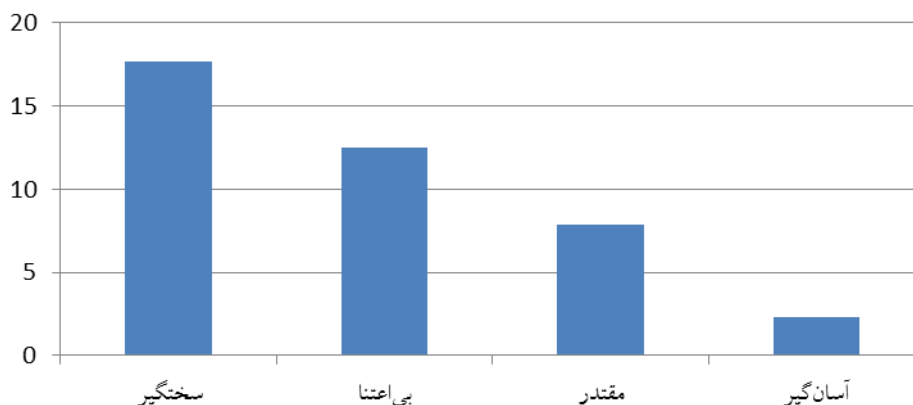
همان‌طور که در جدول ۴ آمده است، در تأکید بر مؤلفه‌های سازمان‌یافتگی ( $p=۰/۰۱$ ) و خودمدیریتی ( $p=۰/۰۰۶$ ) بین افراد متأثر از سبک‌های فرزندپروری مختلف، تفاوت معنادار وجود دارد. این تفاوت در شکل ۷ و شکل ۸ قابل مشاهده است.



شکل ۷- نمودار وضعیت مؤلفه سازمان‌یافتگی در سبک‌های فرزندپروری مختلف

همان‌طور که در شکل ۷ مشاهده می‌شود، درصد فراوانی افرادی که در تعریف مسئولیت‌پذیری بر سازمان‌یافتگی تأکید داشته‌اند در افراد با والدین آسان‌گیر نسبت به سایرین بیشتر بود و بعد از آن، افراد با والدین بی‌اعتنا بیشترین تأکید را بر سازمان‌یافتگی در تعریف

مفهوم مسئولیت‌پذیری داشتند. افراد دارای والدین سخت‌گیر و مقتدر نیز به ترتیب کمترین درصد فراوانی را در مؤلفه سازمان‌یافتگی نشان دادند.



شکل ۸- نمودار وضعیت مؤلفه خودمدیریتی در سبک‌های فرزندپروری مختلف

همان‌طور که در شکل ۸ نشان داده شده است، درصد فراوانی مؤلفه خودمدیریتی، به ترتیب، در افراد متأثر از سبک‌های فرزندپروری سخت‌گیر، بی‌اعتنا، مقتدر و آسان‌گیر بیشترین میزان را داشت.

### بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که به تفصیل در یافته‌ها اشاره شد، از بین مؤلفه‌های استخراج‌شده در تعریف مسئولیت‌پذیری دو مؤلفه امانتداری و وظیفه‌شناسی، نسبت به سایر مؤلفه‌ها بیشترین درصد فراوانی را داشتند. به این معنا که در همه گروه‌های سنی مسئولیت‌پذیری به طور خاصی براساس این دو مؤلفه تعریف شده است. همچنین در تعریف مسئولیت‌پذیری در تأکید بر مؤلفه‌های امانتداری، وظیفه‌شناسی، قانونمندی و خودمدیریتی در گروه‌های سنی مختلف، تفاوت وجود داشت.

در تبیین این یافته که در گروه نمونه این پژوهش مسئولیت‌پذیری دو مؤلفه امانتداری و وظیفه‌شناسی با فراوانی نسبتاً بالایی معرفی شد، می‌توان به فرهنگ عامه مردم یزد اشاره داشت. این دو ویژگی در دوران‌های متعدد از ویژگی‌های شاخص مردم یزد بوده (عسکری‌وزیری، ۱۳۹۹؛ جعفری‌ندوشن، ۱۳۹۸) که از طریق یادگیری مشاهده‌ای نسل به نسل به فرزندان منتقل شده است. گروه اول در تعریف مسئولیت‌پذیری بیشترین تأکید را بر امانتداری داشتند. همانگونه که از تعریف امانتداری مشخص است، تعریف مسئولیت‌پذیری بر پایه امانتداری بیشتر جنبه‌ای عینی دارد. در تبیین این تعریف باید اشاره به میانگین سنی گروه اول داشت که حدود ۱۲ سالگی است.

در نظریه پیاژه، ۷ تا ۱۱ سالگی نیم‌دوره عملیات عینی است که در آن فرد قادر است تنها با مواد و اشیایی محسوس و قابل رویت رابطه برقرار کند (Bentham, 2002)، به همین دلیل از آنجا که گروه اول در سن ۱۲ سالگی بودند، در تعریف آنها عینیت‌گرایی

برجسته‌تر از انتزاع است. در دوره سوم در نظام پیاژه (دوره انتزاعی) که با آخرین شکل‌گیری‌ها یا تغییرات ساختاری سازمان روانی همراه است و از یازده تا دوازده سالگی معمولاً آغاز می‌شود و در شرایط مساعد در چهارده تا پانزده سالگی به پایان می‌رسد (منصور، ۱۳۸۸)؛ نوجوانان توانایی تفکر انتزاعی، منظم و علمی را پرورش می‌دهند و قادرند «طبق عملیات عمل کنند». به عبارت دیگر، آنها برای تفکر، دیگر به اشیاء و رویدادهای عینی نیاز نداشته و می‌توانند از طریق تأمل درونی به قواعد منطقی تازه و کلی‌تری دست یابند (Piaget, 1955; cited in Berk 2007).

بر اساس همین توانایی شناختی تازه، گروه سوم که در سنی مابین نوجوانی و بزرگسالی قرار دارند با فاصله‌گرفتن از عینیت‌گرایی در تعریف مسئولیت‌پذیری بر وظیفه‌شناسی به معنای «انجام عمل و تکالیف محوله به طور شایسته و بدون تذکر دیگران، دیگرخواهی و جامعه‌دوستی» (نعمتی، ۱۳۸۷)، تأکید داشتند که شامل هر دو بُعد عینی و انتزاعی در تفکر شناختی می‌شود. طبق نظر پیاژه (۱۹۶۷) بعد از دستیابی به عملیات انتزاعی، پیشرفت‌های مهمی در تفکر صورت می‌گیرد به طوری که در بزرگسالی، پیشروی از تفکر فرضی به تفکر عمل‌گرایانه منتهی می‌شود. نوعی پیشرفت ساختاری که در آن منطق، ابزاری برای حل کردن مسایل دنیای عملی می‌شود (cited in Berk, 2007). افراد با ورود به مرحله انتزاعی، به نوعی پیشرفت ساختاری در منطق دست یافته که بعدها به ابزاری برای حل کردن مسائل دنیای عملی آنها تبدیل می‌شود. همین امر منجر به این می‌شود که بزرگسالان در گروه چهارم، مسئولیت‌پذیری را با تأکید بیشتری بر اساس خودمدیریتی تعریف کنند. گروه ششم نیز در سنین گذار به سالمندی شامل افرادی هستند که با الزامات دنیای بیرونی آشنا بوده و به صورت کاربردی، مسئولیت‌پذیری را با تأکید بر قانونمندی که به معنای «تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و درک قوانین گروه و احساس التزام عمل در موقعیت‌های گوناگون است» (نعمتی، ۱۳۸۷)، تعریف کرده‌اند.

طبق نتایج آزمون‌های دو در تأکید بر خودمدیریتی و سازمان‌یافتگی در بین سبک‌های فرزندپروری مختلف، تفاوت معنادار وجود داشته و افراد دارای والدین آسان‌گیر کمترین تأکید را بر مؤلفه خودمدیریتی و بیشترین تأکید را بر سازمان‌یافتگی داشتند؛ از طرفی نیز افراد دارای والدین سخت‌گیر بیشترین تمرکز را بر خودمدیریتی در مسئولیت‌پذیری داشتند. بررسی روابط بین افراد در خانواده‌هایی که والدین آسان‌گیر دارند، تأکید کم فرزندان این والدین بر خودمدیریتی را تبیین می‌کند. فرزندان این والدین در کودکی متوقع و وابسته به بزرگسالان و دارای خودکنترلی ضعیف هستند و در نوجوانی ضعف در مهار خود و کفایت اجتماعی دارند (Berns, 2007) و از آنجا که محیط این گونه خانواده‌ها عاری از هرگونه قوانین منظم و قائدهمند است، فرزندان به پیروی از تمایلات شخصی خود سوق داده شده و از آنها افراد سهل‌انگار و بی‌هدفی می‌سازد که از قوانین پیروی نکرده و مسئولیت خاصی نیز نمی‌پذیرند (دودمان، ۱۳۹۷). در واقع در این خانواده‌ها روابط خانوادگی دارای نظم سازمانی مناسبی نیست. از طرفی نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی مانند کیفیت ضعیف روابط فردی و خانوادگی، خودمدیریتی افراد را با مشکلات جدی مواجه می‌سازد (حسنی، ۱۳۹۴). بنابراین تأکید فرزندان این والدین بر سازمان‌یافتگی شاید یک نوع واکنش وارونه نسبت به رفتار بدون سازمان والدین باشد.

همان‌طور که پیشتر هم اشاره شد، پژوهش‌هایی که بر دختران، پسران و والدین در بافت فرهنگی شهر یزد انجام شده مؤید نتایج این پژوهش است که چون با پسران به شیوه سهل‌گیرانه رفتار شده نسبت به زندگی آینده‌شان مدیریت پایین‌تری را نشان می‌دهند. همچنین در خانواده‌هایی که روش تربیتی والدین سختگیرانه است، محور روابط براساس قدرت، خشونت و رفتار و تربیت خودمحوری و پرهیز از مشورت با اعضای خانواده است (پرچم و همکاران، ۱۳۹۱). در نتیجه با توجه به این که کیفیت روابط خانوادگی در این خانواده‌ها نیز پایین

است، تأکید زیاد این افراد بر مؤلفه خودمدیریتی می‌تواند در اثر انضباط سخت‌گیرانه والدین، یادگیری شده باشد و در بعد عملکردی آنان تأثیری نداشته باشد، چراکه علاوه بر رفتارهای کنترل‌کننده، تمرینات انضباطی شدید هم از ویژگی‌های والدین سختگیر است (Pezzella, 2010). از سویی، بنابر سایر پژوهش‌ها، با توجه به این که در گروه چهارم، پنجم و ششم سبک فرزندپروری سخت‌گیر نسبت به سایر گروه‌ها فراوانی بیشتری دارد (یکتاپرست و همکاران، ۱۳۹۹)، تأکید بیشتر این سه گروه بر خودمدیریتی را براساس سبک فرزندپروری ادراک شده تأیید می‌کند.

نکته قابل ذکر دیگر شاید به تفاوت‌های بین‌نسلی مربوط باشد. نسل در هر جامعه‌ای بیانگر تعداد افرادی است که در دوره مشابهی به دنیا آمده، به مدرسه می‌روند و ازدواج می‌کنند (ساروخانی، ۱۳۷۵). هر نسل با توجه به درک و برداشتی که از پیرامون خود دارد، هویتی مستقل داشته و با رابطه متقابلی که با نسل‌های دیگر برقرار می‌کند، سیستم ارزشی متفاوتی اتخاذ می‌کند. به عنوان نمونه، پژوهشگران در یک پژوهش با طرح مقطعی، با توجه به ادراک گروه‌های سنی مختلف به تغییراتی در سبک‌های فرزندپروری در طی چهار نسل رسیدند. به عبارتی، یافته‌ها حاکی از آن بود که ادراک افراد متولد دهه چهل از سبک فرزندپروری والدینشان عمدتاً سبک سخت‌گیر بوده و به سمت غالب شدن سبک مقتدر در دهه نود تغییر کرده است (یکتاپرست و همکاران، ۱۳۹۹). این تفاوت‌ها احتمالاً به تفاوت در ارزش‌ها و شکل‌گیری مفاهیم با معانی متفاوت نیز منجر می‌شود.

این پژوهش نیز همانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی مواجه بود از جمله این که به دلیل تعداد زیاد پرسشنامه‌ها، متغیرهای میانجی مانند احساس کارایی، خودپنداره و عزت‌نفس که می‌توانند در شکل‌گیری مفهوم و میزان مسئولیت‌پذیری افراد تأثیر قابل‌توجهی داشته باشند، اندازه‌گیری نشد و با توجه به این که پژوهش در شهر یزد انجام شده است در تعمیم نتایج به شهرهای دیگر باید احتیاط بیشتری رعایت شود. برای گسترش و تکمیل دامنه پژوهش در زمینه‌های مرتبط با این موضوع پیشنهاد می‌شود از مصاحبه به جای پرسشنامه‌های تشریحی استفاده، و به منظور تکمیل اطلاعات در همه رده‌های سنی، بررسی‌های بیشتری در دوره سنی کودکی انجام شود. همچنین متغیرهای میانجی با استفاده از روش‌های مدل‌سازی نیز در روند کار لحاظ شوند.

### تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد نویسنده اول مقاله است که در رشته روانشناسی عمومی در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه یزد به انجام رسیده است. نویسندگان مقاله قدردان مشارکت تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش و نظرات ارزشمند داوران پایان‌نامه و مقاله حاضر هستند.

### منابع

- اسعدی، سمانه و یکتاپرست، مدینه (۱۳۹۷). سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده: با نگاهی بر تفاوت‌های جنسیتی. سومین همایش ملی نقش و جایگاه مادر. ایران. <https://profdoc.um.ac.ir/articles/a/1073516.pdf>
- برک، لورا (۱۳۸۵). *روانشناسی رشد*. (ترجمه یحیی سیدمحمدی). تهران: انتشارات ارسباران.

بنتهام، سوزان (۱۳۸۰). *روان‌شناسی تربیتی*. (ترجمه اسماعیل بیابانگرد و علی نعمتی). تهران: انتشارات رشد.

پرچم، اعظم؛ فاتحی‌زاده، مریم‌السادات و الهیاری، حمیده (۱۳۹۱). مقایسه شبکه‌ای فرزندپروری بامریند با سبک فرزند پروری در اسلام.

*پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلام*. ۲(۱۴). ۱۱۵-۱۳۸. [https://iej.ihu.ac.ir/article\\_200808.html](https://iej.ihu.ac.ir/article_200808.html)

تیزرو، زهرا (۱۳۷۵). بررسی رابطه تحول روانی-اجتماعی و تحول شناختی در دختران ۱۲-۶ سال. *تربیت*، ۲۹-۱۱۳-۲۴.

<https://ensani.ir/fa/article/47625>

جعفری‌ندوشن، علی‌اکبر (۱۳۹۸). جستاری در توسعه فرهنگ بنیان یزد، *فرهنگ یزد*، ۱(۲)، ۱۱۱-۱۲۲.

<https://doi.org/10.22034/fyazd.2019.105387>

حسینی، فهیمه (۱۳۹۴). تأثیر هوش فرهنگی بر یادگیری خودراهبر دانشجویان پرستاری. *راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*،

۲(۴)، ۱۱۵-۱۲۲. <http://edcbmj.ir/article-1-797-fa.html>

خواججه‌نوری، بیژن؛ مساوات، سیدابراهیم و ریاحی، زهرا (۱۳۹۳). رابطه سبک زندگی و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی (مطالعه موردی:

نوجوانان دبیرستانی شیراز)، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۵(۴)، ۳۶-۱۹.

[https://socialstudy.ihcs.ac.ir/article\\_1721.html](https://socialstudy.ihcs.ac.ir/article_1721.html)

دودمان، پروانه (۱۳۹۷). رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان مهر، *مجله*

*دانشگاه علوم پزشکی قم*، ۴(۱۲)، ۶۰-۵۱. <http://dx.doi.org/10.29252/qums.12.4.51>

رفعتیان، عبدالحسین (۱۳۸۴). *مسئولیت‌پذیری: روند شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری*. تهران: انتشارات قطره.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). *درآمدی بر دایرة‌المعارف علوم اجتماعی*. تهران: انتشارات کیهان.

سفیری، خدیجه و چشمه، اکرم (۱۳۹۰). مسئولیت‌پذیری نوجوان و رابطه آن با شیوه‌های جامعه‌پذیری در خانواده. *جامعه‌شناسی*

*آموزش و پرورش*، ۱(۱۳۰-۱۰۳).

[https://www.iase-jrn.ir/article\\_43656\\_e38c95603526b2614848cbe8bec4453e.pdf](https://www.iase-jrn.ir/article_43656_e38c95603526b2614848cbe8bec4453e.pdf)

سمیعی، فاطمه؛ باغبان، ایران؛ عابدی، محمدرضا و صادقیان، علیرضا (۱۳۹۱). بررسی فرایند شناختی تحول آرزوهای شغلی در کودکان.

*شناخت اجتماعی*، ۱(۲)، ۸۰-۶۹.

[https://sc.journals.pnu.ac.ir/article\\_305\\_07e3603f8abbdac44113a7fa4454bbea.pdf](https://sc.journals.pnu.ac.ir/article_305_07e3603f8abbdac44113a7fa4454bbea.pdf)

سولسو، رابرت (۱۳۸۱). *روانشناسی شناختی*. (ترجمه فرهاد ماهر). تهران: انتشارات رشد.

شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۸). *روانشناسی رشد*. تهران: انتشارات اطلاعات.



شفیع‌پور، سیده‌زهرا؛ شیخی، علی؛ میرزایی، مهشید و کاظم‌نژادلیلی، احسان (۱۳۹۴). سبک‌های فرزندپروری و ارتباط آن با مشکلات رفتاری کودکان. *پرستاری و مامایی جامع‌نگر*، ۲۵(۷۶)، ۴۹-۵۶. <https://sid.ir/paper/108786/fa>

شولتز، دوآن (۱۴۰۱). *روانشناسی کمال*، (ترجمه گیتی خوشدل). تهران: انتشارات پیکان.

شهریاری‌پور، علیرضا (۱۳۹۲). مبانی جامعه‌شناختی مسئولیت اخلاقی در اخلاق اسلامی. *معرفت اخلاقی*، ۳(۱۲|۴)، ۲۵-۳۸. <http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/128>

عسکری‌ندوشن، عباس؛ عباسی‌شوازی، محمدجلال و صادقی، رسول (۱۳۸۸). مادران، دختران و ازدواج: تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۱(۴۴)، ۷-۳۶.

[https://www.jwss.ir/article\\_45150\\_b8713bd5ff910c628a768de25ca9855f.pdf](https://www.jwss.ir/article_45150_b8713bd5ff910c628a768de25ca9855f.pdf)

عسکری‌وزیری، علی (۱۳۹۹). بررسی شاخص‌های فرهنگی شهر یزد در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی. *فرهنگ یزد*، ۲(۶)، ۳۲-۹. <https://doi.org/10.22034/FYAZD.2021.272111.1039>

فرانکل، ویکتور (۱۳۹۰). *انسان در جستجوی معنای غایی*، (ترجمه احمد نهضت صبوری و عباس شمیم)، تهران: انتشارات آشیان.

مداحی، محمدابراهیم و صمدزاده، منا (۱۳۹۰). سبک‌های تربیتی و رگه‌های شخصیت. *اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی*، ۶(۲۱)، ۱۷-۲۴. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/987464>

منصور، محمود (۱۳۸۸). *روانشناسی ژنتیک، تحول روانی از تولد تا پیری*. تهران: انتشارات سمت.

نعمتی، پری‌سیما (۱۳۸۷). تهیه و هنجاریابی آزمون مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان مقطع راهنمایی شهر تهران در دو بعد شخصی و اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

نیکروح‌متین، ف (۱۳۹۰). نقش خانواده در مسئولیت‌پذیری کودکان. [www.aftabir.com](http://www.aftabir.com)

نقاشیان، ذبیح‌الله (۱۳۵۸). رابطه محیط خانواده و موفقیت تحصیلی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شیراز.

یکتاپرست، مدینه؛ اسعدی، سمانه و رحیمی، مهدی (۱۴۰۰). بررسی تحولی میزان مسئولیت‌پذیری و رابطه آن با سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده در ساکنان شهر یزد. *مددکاری اجتماعی*، ۱۰(۱)، ۱۹-۲۸. <http://socialworkmag.ir/article-1-651-fa.html>

یکتاپرست، مدینه؛ اسعدی، سمانه و رحیمی، مهدی (۱۳۹۹). بررسی تغییرات در سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده در طول چهار نسل متوالی. *زنان و خانواده*، ۱۵(۵۱)، ۷۰-۵۵. <https://sid.ir/paper/399564/fa>

Alizadeh, H., & Andries, C. (2002). Interaction of parenting styles and attention deficit hyperactivity disorder in Iranian parents. *Child & Family Behavior Therapy*, 3(24), 37-52. [https://doi.org/10.1300/j019v24n03\\_03](https://doi.org/10.1300/j019v24n03_03)

- Aunola, K., & Nurmi, J. (2005). The Role of Parenting Styles in Children's Problem Behavior. *Child Development*, 6 (76), 1144-1159. <https://doi.org/10.1111/j.1467-8624.2005.00841.x>
- Aunola, K., Stattin, h., & Nurmi, J. (2000). Parenting styles and adolescents' achievement strategies. *Journal of Adolescence* 23, 205-222. <https://doi.org/10.1006/jado.2000.0308>
- Baumrind, D. (1966). Effects of Authoritative Parental Control on Child Behavior. *Child Development*, 4 (37), 887-907. <https://doi.org/10.2307/1126611>
- Berns, Roberta M. (2006). *Child Family, School, Community*. Belmont Publisher U.S.A. <https://www.amazon.com/Child-Family-School-Community-Socialization/dp/1111830967>
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 3 (113), 487. <https://doi.org/10.1037//0033-2909.113.3.487>
- Dornbusch, S. M., Ritter, P. L., Leiderman, P. H., Roberts, D. F., & Fraleigh, M. J. (1987). The relation of parenting style to adolescent school performance. *Child Development*, 1244-1257. <https://doi.org/10.2307/1130618>
- Dudley, L., & Poston, J. R. (2014). The Family and Social Change in Chinese Societies. The Springer Series on Demographic Methods and Population Analysis. *Journal of Early Adolescence*, 2(34), 521-528. <https://www.amazon.com/Societies-Springer-Demographic-Population-Analysis/dp/9400774443>
- Fan, J., & Zhang, L. F. (2014). The role of perceived parenting styles in thinking styles. *Learning and Individual Differences*, 32, 204-211. <https://doi.org/10.1016/j.lindif.2014.03.004>
- Jeon, H. J., Peterson, C. A., & DeCoster, J. (2013). Parent-child interaction, task-oriented regulation, and cognitive development in toddlers facing developmental risks. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 6 (34), 257-267. <https://doi.org/10.1016/j.appdev.2013.08.002>
- Hurlock, E. B. (1978). *Child growth and development*. India: McGraw-Hill. <https://www.amazon.in/Child-Growth-Development-Elizabeth-Hurlock/dp/0070993629>
- Löfmarck, E., Uggla, Y., & Lidskog, R. (2017). Freedom with what? Interpretations of "responsibility" in Swedish forestry practice. *Forest Policy and Economics*, 75, 34-40. <https://doi.org/10.1016/j.forpol.2016.12.004>
- Mendonça, M., & Fontaine, A. M. (2014). The role maturity of parents of emerging adult children: Validity of a parental maturity measure. *Journal of Adult Development*, 2(21), 116-128. <https://doi.org/10.1007/s10804-014-9185-y>
- Mergler, A. G., Spencer, F. H., & Patton, W. A. (2007). Development of a measure of personal responsibility for adolescents. *Journal of Adolescence*, 27, 107-43. <https://www.researchgate.net/publication/27470735>

- Miller, A. L., Lambert, A. D., & Speirs Neumeister, K. L. (2012). Parenting Style, Perfectionism, and Creativity in High-Ability and High-Achieving Young Adults. *Journal for the Education of the Gifted*, 4 (35), 344–365. <https://doi.org/10.1177/0162353212459257>
- Pezzella frank, S. (2010). *Authoritaian.Parenting: A Race socialization Protective Factot that Deters African American Adolescents from Delinquency and Violence*. School of Criminal Justice. <https://www.proquest.com/openview/99b053eea91442341b2714bc081a2f3f/1.pdf?pq-origsite=gscholar&cbl=18750>
- Preston, Lynn Doreen (2009). *The role of parenting styles in the acquisition of responsibility in adolescents*, University of South Africa, Pretoria. (pp. 106-109). [https://www.academia.edu/33867001/The\\_role\\_of\\_parenting\\_styles\\_in\\_the\\_acquisition\\_of\\_responsibility\\_in\\_adolescents](https://www.academia.edu/33867001/The_role_of_parenting_styles_in_the_acquisition_of_responsibility_in_adolescents)
- Schmiedek, F. (2017). Development of cognition and intelligence In *Personality Development across the Lifespan* (pp. 309-323). <http://dx.doi.org/10.1016/B978-0-12-804674-6.00019-3>
- Sigelman, C. K. & Rider, E. A. (2012). *Human development across the life span*.7th edition, Wadsworth, Cengage Learning. <https://www.amazon.com/life-span-Human-Development-Sigelman-Elizabeth/dp/B007DC3H12>
- Wolfradt, U., Hempel, H., & Miles, J. (2003). Perceived parenting styles, depersonalisation, anxiety and coping behaviour in adolescents. *Personality and Individual Differences*, 34, 521-532. [http://dx.doi.org/10.1016/S0191-8869\(02\)00092-2](http://dx.doi.org/10.1016/S0191-8869(02)00092-2)
- Wollny, A., Fay, D., & Urbach, T. (2016). Personal initiative in middle childhood: Conceptualization and measurement development. *Learning and Individual Differences*, 49, 59-73. <http://dx.doi.org/10.1016/j.lindif.2016.05.004>
- Yu, Q., Zhang, Q., Xiong, Q., Jin, S., Zou, H., & Guo, Y. (2019). The more similar, the more warmth: The effect of parent-child perceived facial resemblance on parenting behavior. *Personality and Individual Differences*, 138, 358-362. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.10.027>